

بررسی تاثیر اثر بخشی کمیته حسابرسی و کیفیت حسابرسی بر کیفیت افشای داوطلبانه

فیروزه زرین ساز سرخابی

کارشناسی ارشد حسابداری - حسابرسی، موسسه آموزش عالی الغدير، تبریز، ایران. (نویسنده مسئول)

firozehzarinsaz@gmail.com

دکتر ابراهیم نویدی عباسپور

دکتری حسابداری، مدرس گروه حسابداری، موسسه آموزش عالی الغدير، تبریز، ایران.

ebrahim.navidi@marandiau.ac.ir

شماره ۳۱/ پاییز ۱۳۹۹ (جلد سوم) / صص ۷۵-۹۰
چشم انداز حسابداری و مدیریت (دوره سوم)

چکیده

افشای اختیاری اطلاعات منجر به کارایی بازار سرمایه شده و اعتماد سهامداران به شرکت را افزایش می دهد. اثربخشی کمیته حسابرسی و کیفیت حسابرسی می توانند کیفیت افشای اختیاری را بهبود ببخشند. پژوهش حاضر به بررسی تأثیر اثربخشی کمیته حسابرسی و کیفیت حسابرسی بر کیفیت افشای داوطلبانه شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می پردازد. این پژوهش از لحاظ هدف، کاربردی بوده و از بعد روش شناسی همبستگی از نوع علی (پس رویدادی) میباشد. با استفاده از روش نمونه گیری حذف سیستماتیک، ۱۲۰ شرکت به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شده در دوره ۶ ساله بین سال های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۷ مورد بررسی قرار گرفتند. روش مورد استفاده جهت جمع آوری اطلاعات، کتابخانه ای بوده و داده های مربوط برای اندازه گیری متغیرها از سایت کدال و صورتهای مالی شرکت ها جمع آوری شده و در Excel محاسبات اولیه صورت گرفته سپس برای آزمون فرضیه های پژوهش از نرم افزار استاتا استفاده شده است. نتایج حاصل از پژوهش نشان می دهد که اندازه موسسه حسابرسی بر کیفیت افشای داوطلبانه تأثیر دارد. ولی دوره تصدی حسابرس و حق الزحمه حسابرسی بر کیفیت افشای داوطلبانه تأثیر ندارند. تخصص مالی کمیته حسابرسی بر کیفیت افشای داوطلبانه تأثیر ندارد. تجربه کمیته حسابرسی بر کیفیت افشای داوطلبانه تأثیر ندارد. استقلال کمیته حسابرسی بر کیفیت افشای داوطلبانه تأثیر ندارد.

واژگان کلیدی: کیفیت افشای داوطلبانه، کیفیت حسابرسی، اثربخشی کمیته حسابرسی

بیان مساله

مدیران سازمانها در راستای این که سرمایه گذاران را در مورد افق های آتی و اهداف و راهبرد آتی سازمان آگاه کنند، اقدام به افشای اختیاری اطلاعات می کنند. ارایه اطلاعات اختیاری مالی و غیرمالی در مورد سازمان منجر به تقلیل فاکتور عدم تقارن اطلاعاتی و افزایش نقدینگی سهام و در نهایت باعث بهتر شدن وضعیت مالی سازمان می گردد. هرچند که استانداردهای حسابداری و حسابرسی به عنوان دو ساختار قانونی در نهایت منجر به تعدیل فاصله مطالعاتی بین مدیران و مالکان می شود، اما این فاصله مطالعاتی را به صورت کامل از بین نمی برد (محمدی و همکاران، ۱۳۹۶). از این